



«رؤیابنداری وحی» مستلزم انکار ختم نبوت است/ تأثیر نگاه غربی‌ها به کتاب مقدس بر سروش

تلقى وحی به عنوان تجربه عارفانه، شاعرانه، وحی نفسی یا رؤیای نبوی، قرآن را از حقیقت متافیزیکی که لفظ و محتوا از آن خدا باشد، تنزل می‌دهد و آن را برساخته ذهن و جان پیامبر(ص) معرفی می‌کند؛ لذا سروش تحت تأثیر نگاه معتدلان غیرمسلمان نسبت به کتاب مقدس، معتقد است جریان وحی نبوی پایان نیافته است.

تلقى وحی به عنوان تجربه عارفانه، شاعرانه، وحی نفسی یا رؤیای نبوی، قرآن را از حقیقت متافیزیکی که لفظ و محتوا از آن خدا باشد، تنزل می‌دهد و آن را برساخته ذهن و جان پیامبر(ص) معرفی می‌کند؛ لذا سروش تحت تأثیر نگاه معتدلان غیرمسلمان نسبت به کتاب مقدس، معتقد است جریان وحی نبوی پایان نیافته است.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصیری، مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به نقد مقاله اخیر عبدالکریم سروش پرداخت و در این رابطه اظهار کرد: به طور کلی دو تحلیل اصلی و اساسی درباره قرآن وجود دارد؛ براساس یک تحلیل آیات قرآن، روایات، ادله کلامی فلسفی و عرفانی قرآن واجد حقیقتی ماورایی و متافیزیکی است که آن حقیقت به تعبیر علامه طباطبائی(ره) امری بسیط و دور از دسترس ما است.

وی افزود: آنچه که در اختیار ما قرار دارد، در واقع نازل‌های از آن حقیقت است که به تعبیر امام خمینی(ره) این ویژگی قرآن نازله هفتم و سرّ مستتر نام دارد؛ اینکه در روایات آمده که قرآن دارای نزول دفعی در شب قدر است یا بعضی از مفسران فیلسوف‌مشرّب، نزول بر قلب پیامبر(ص) را مطرح کرده‌اند، اینکه برای قرآن آثار و اسراری ذکر شده است؛ چه برای آیات آن و چه برای سوره‌هایش و چه برای مجموعه قرآن و اینکه از قرآن به‌عنوان کتاب نور، شفاء و برکت، یاد شده است، این‌ها مربوط به آن حقیقت متافیزیکی و در واقع فرامادی قرآن است که قرائن زیادی هم درباره این مدعا وجود دارد.

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد گفت: نگاه دوم متأثر از تحلیل‌های زبان‌شناسانه و مادی‌انگارانه است که از سده هجدهم به بعد این پدیده به وجود آمده و متأثر از تحلیلی است که معتدلان مسیحی و یهودی در مورد کتاب مقدس دارند. براساس این تحلیل، قرآن کتابی فیزیکی، مادی و زمینی است و این تحلیل دوم می‌گوید به جای این‌که آن حقیقت ماورایی را درباره قرآن در نظر بگیریم، قرآن را باید کتابی بشری و زمینی با همین سبک و سیاقی در نظر بگیریم که الان شاهد آن هستیم.

این پژوهشگر علوم قرآن و حدیث ادامه داد: این تحلیل را دقیقاً بیش از 95 درصد از معتدلان مسیحی و یهودی درباره کتاب مقدس دارند. آن‌ها می‌گویند که عهد عتیق و عهد جدید را نویسندگانی قدیس و ناشناخته در طی 1500 سال نه از طریق وحی، بلکه از طریق الهام و دریافت محتوا از سوی خدای متعال و گنجاندن آن محتوا در قالب الفاظ و عبارات با زبان، فکر و جهان‌شناسی خود نوشته‌اند؛ یعنی آن کسانی که الهام و محتوا را گرفته‌اند و در حقیقت آن را براساس ظرفیت وجودی و محدودیت‌های زبانی و فرهنگی خودشان در قالب الفاظ و عبارات می‌آورند، نهایت این فرآیند می‌شود کتاب مقدس.

علی نصیری:

سروش همین رویه را طی کرد مرحله قبل هم مطرح کرد که در قرآن خطا راه یافته و پیدا است که اگر قرآن کتاب بشری و تولید یک فکر باشد نتیجه‌اش این خواهد بود که رویا هم باشد همین است یعنی اعتبار و اصالت خود را قطعاً از دست می‌دهد دیگر به عنوان یک کتاب نور هدایت تفسیر حکمت نخواهد بود.

نصیری ادامه داد: مسیحیان و یهودیان برای الفاظ و عبارات کتاب مقدس هیچ قداستی قائل نیستند و معتقد نیستند که الفاظ کتاب مقدس همان الفاظ و عبارات پروردگار است؛ این نگاه که مربوط به تفسیر و تحلیل کتاب مقدس در جهان غرب است که وارد عرفان اسلامی شد و يك سری از نواندیشان در جهان عرب مثل نصر حامد ابوزید یا محمد جابری تحت تأثیر آن قرار گرفتند و به واسطه این افراد به مجامع اسلامی نیز راه یافت.

وی افزود: تحلیلی که سروش در مقاله «؛محمد(ص)، روای رویاهای رسولانه«؛ آورده است و تعبیری که اخیراً در کتاب «؛قرآن و گفتار الهی«؛ به صورت مفصل بحث‌هایشان نقل شده است، چنان است که ایشان جریان فرآیند وحی را در واقع به این شکل تنزل می‌دهد و آن را به‌عنوان تجربه عرفانی تعبیر می‌کند و گاهی نیز با عنوان تجربه شاعرانه تعبیر می‌کند و گاهی نیز آن را در حد کشف و الهام تجربی تنزل می‌دهد.

نویسنده کتاب «؛قرآن و گفتار الهی«؛ افزود: تعبیر اخیر هم بحث «؛رویا«؛ است؛ یعنی آن چیزی که البته به اصطلاح رویا قبلاً از آن تعبیر می‌شود، به وحی نفسی که در برخی از تعبیر به اصطلاح خاورشناسان هم مطرح بوده، این‌ها گاهی اوقات گفته‌اند پیامبر(ص) که می‌رفتند در غار حرا و خلوتی که داشتند و به واسطه آن نگاهی که به افق هستی داشتند، ذوق ایشان شکوفا می‌شده و با قوه خیال خودشان این مسئله را درک می‌کردند و تحلیل خود را از هستی در قالب قرآن کریم ارائه کرده‌اند.

نصیری گفت: به هر حال چه تجربه عارفانه بگوییم و چه تجربه شاعرانه، چه بگوییم که وحی نفسی، یا بگوییم تعبیر رویانمایانه از آن چه درون‌مایه پیامبر(ص) است، همه این الفاظ و عبارات‌های مختلفی است که قرآن را از آن حقیقت و ماهیت متافیزیکی خودش که لفظ و محتوا از خدا باشد، تنزل می‌دهد و قرآن کتابی می‌شود که بر ساخته ذهن، جان و فکر خود پیامبر(ص) است.

وی ادامه داد: مجتهد شبستری هم اخیراً همین نظر سروش را مورد تأکید و تأیید قرار می‌دهد؛ یعنی قرآن را کتابی انسانی می‌داند که يك انسان آن را تولید کرده، اما انسانی که جانش شکوفا شده است. این‌ها ابا ندارند که بگویند همان‌طور که مثلاً مثنوی معنوی مولوی يك مدل کشف و شهود مولف آن بوده است، قرآن نیز حاصل کشف و شهود پیامبر اعظم(ص) است.

نصیری افزود: آقای سروش که در بسط تجربه نبوی بر تجربه نبوی تأکید می‌کند، همین مطلب را به قرآن نسبت می‌دهد؛ یعنی می‌گوید پیامبر(ص) هم يك انسان عارف و سالکی است که جانش زلال شده و صفا پیدا کرده است.

نصیری گفت: بر اساس این دیدگاه، پیامبر(ص) چه در بیداری و چه در خواب مجموعه مطالبی را شهود می‌کند و این را در قالب الفاظ و عباراتی می‌آورد و مجموعه آنها را قرآن نامیده است، لذا سروش تأکید می‌کند که جریان وحی نبوی پایان نیافته و ادامه دارد. این نگاه‌ها که قرآن را يك کتاب زمینی و انسانی می‌کند و تا سطح کتاب مقدس تنزل می‌دهد، این‌ها تحت تأثیر نگاه معتدلان غیرمسلمان نسبت به کتاب مقدس به وجود آمده است.

وی عنوان کرد: بیشتر این موضع‌گیری در مواجهه با قرآن به‌خاطر این است که این افراد خودشان را در تعامل با قرآن دچار تنگنمایی می‌بینند و می‌خواهند به اصطلاح به قرآن خدمت بکنند و بگویند ما می‌خواهیم جلوی این تنگناها را بگیریم و من حس می‌کنم که در برخورد با برخی از آیات مثلاً اینکه این آیات را نمی‌شود به روز تفسیر کرد، چنین مواضعی اتخاذ می‌شود.

نصیری افزود: این افراد برای اینکه از نظر خودشان این فرازمان، فرامکان، فرا فرهنگ و فراجغرافیا بودن قرآن را حل بکنند، خواستند این طوری به اصطلاح مشکل را حل کرده باشند و بگویند که قرآن برساخته خواب و بیداری خود پیامبر(ص) است؛ بعد چون پیامبر(ص) هم انسانی اهل حجاز پانزده سده گذشته بوده، به طور طبیعی کتاب او نیز رنگ و لعاب و نشانه‌ای از انسانی زمینی محصور در حصار زمان و مکان و فرهنگ عربی را با خود به همراه دارد.

این مدرس دانشگاه در ادامه گفت: به تعبیر سروش و روشنفکرانی از این دست که تصویری که از خدا یا از فرشته‌ها یا از بهشت می‌سازند یا تصویری که از روابط انسانی می‌سازند، تلقی او این است که قرآن رنگ و بوی عربی می‌دهد و می‌گویند: این خیلی طبیعی خواهد بود، در حالی که ما در کتاب 171#& قرآن و گفتار الهی را توضیح دادیم که اصلاً چنین چیزی نیست؛ یعنی ما اگر قرآن را درست بباییم و درست به کار گیریم، حتی پذیرش این که یک آیه در قرآن حتی پذیرش یک آیه در قرآن که ناظر به مثلاً فرهنگ سرزمین و زمان دوره رسالت است و این مربوط به ما نمی‌شود و ناظر به ما نیست، کار به ما ندارد که این سخن قابل قبول نیست.

نصیری ادامه داد: قرآن تمام قضایا و حوادث و رخدادها را که به آن نظر دارد و مطرح می‌کند اساساً مربوط به همه دوران‌ها، همه عصرها و همه آدمیان است؛ ما در آن کتاب حتی مسئله همسران پیامبر را بازگو کردیم که این مسائل پیام‌های بلندی در تحلیل رفتارها و معرفی الگو برای مردم دارد.

وی افزود: در ارتباط با سوره تبت، ایشان می‌گویند: این سوره خشم‌نامه شخص پیامبر(ص) است، چون عصبانی شده، این‌ها را آورده است؛ در این سوره که سرتاپا اعجاز است، در این سوره دقیقاً رفتار دو تن از اصحاب نزدیک پیامبر(ص) را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد که حتی انسان‌های بزرگ ممکن است در دعوت از نزدیکان خودشان موفق نباشند؛ به اضافه این که در این سوره اخبار به غیب است 171#& سَيَصْلَى تَارًا ذَاتَ لَهَبٍ، وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ؛ به زودی در آتشی پرزبانه درآید و زنش آن هیمه‌کش [آتش فروزا] 4-3/مسد. مرد و زن را دعوت به اخبار غیب کرده که این‌ها ملحق به جهنم و بهشت می‌شوند.

وی گفت: یعنی در تمام آیات قرآن روح خدایی بودن سخن و روح آسمانی بودن سخن و متافیزیکی بودن کاملاً ساری و جاری است. بر این اساس، ماهیت ماورایی دارد و لذا نمی‌توان گفت در این حصار زمان و مکان و فرهنگ اسیر است و بعد بیایم از تحلیل‌های غلط استفاده کنیم و شان و جایگاه قرآن را تنزل بدهیم و کار را به جای برسانیم که عملاً چیزی از قرآن باقی نماند.

نصیری در انتها گفت: سروش همین رویه را طی کرد و در مرحله قبل هم از این دست دعاوی را مطرح کرد که در قرآن خطا راه یافته و پیدا است که اگر قرآن کتاب بشری و تولید یک فکر باشد، نتیجه‌اش این خواهد بود که رویا هم باشد؛ یعنی اعتبار و اصالت خود را قطعاً از دست می‌دهد و دیگر به عنوان یک کتاب نور هدایت تفسیر حکمت نخواهد بود.